

شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۲ • سال دهم • شماره ۱۳۳۵ • ۷

روزنامه سیاست	
مروری بر ۱۰ دوره رای گیری برای گزینش رییس جمهوری	صفحه ۸
۹ دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران	صفحه ۸
راست را دیگال این بار حریف هاشمی نمی‌شود	صفحه ۱۰

نگاه

آرایش جدید سیاسی بعد از بررسی صلاحیت‌ها

بیشترین نامزدهایی که خود را برای حضور در انتخابات عرضه کرده‌اند از جناح اصولگرا هستند. این در حالی است که بسیاری از آنها خود نیز اطمینان دارند که قادر به جمع‌آوری رای کافی نیستند.

در طرف دیگر بازی، در ابتدا امید نمی‌رفت که اصلاح‌طلبان بتوانند با نامزدهای حداکثری خود در انتخابات حاضر شوند. نامزد مورد حمایت رییس دولت یعنی «سندیدار رحیم‌شایب» هم وضع روشنی نداشت. عرصه خالی به نظر می‌رسید و شرایط برای برگزاری انتخابات با حضور تمام جریان‌های سیاسی، فراهم نبود.

در چنین شرایطی حضور اولیه خیل اصولگرایان دارای «حساس تکلیف» به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری، برای پرکردن خلأیی بود که در اذهان جامعه وجود داشت. اصولگرایان امید داشتند در پایان دوران احمدی‌نژاد، در غیاب اصلاح‌طلبان بتوانند با مجموعه‌ای از مانورهای تبلیغاتی و نشانه‌رفتن نوک پیکان انتقادات به سمت دولت، حساب خود را از احمدی‌نژاد جدا کنند. این در حالی است که دولت‌های نهم و دهم با حمایت مستقیم جریان اصولگرا بر سر کار آمده و بی‌شک کل این جناح – به مقادیر مختلف- در کارنامه آن شریک هستند. پس دلیل کثرت نامزدهای اصولگرا را در وهله اول می‌توان تبیینی برای پرکردن جای خالی اصلاح‌طلبان دانست و در وهله دوم فقدان یک چهره شاخص در میان این جناح که از اعتماد عمومی برخوردار بوده و زمینه اقبال عمومی را به همراه داشته باشد.

از این‌رو اصولگرایان با جمعیت زیاد آمدند تا خلأ و فضای خالی ایجادشده در اذهان عمومی را با کثرت جمعیت خود بپوشانند. مطلب دیگری که در کثرت نامزدهای اصولگرایان بی‌تاثیر نبوده، این است که هر فردی با ادعای اینکه من توانایی اداره کشور را دارم و من توانم به مطالبات مردم پاسخ دهم، حضور خود را توجیه کرده تا بتواند در آینده –هر اصولگرایی که به کرسی ریاست قوه‌مجره به رسید- پیشاپیش جایی محکم و معتبر برای خود «زرزور» کرده باشد.

اما بعد از به صحنه‌امدن هاشمی و مشای، آرایش گروه‌ها کاملاً تغییر کرد. اصلاح‌طلبان اکنون به اجماع رسیده‌اند. گفتنی است اصلاح‌طلبان از ابتدا هم به دنبال به میدان‌آوردن نامزد حداکثری بودند که در وهله اول آقای خاتمی و بعد از ایشان آقای هاشمی قرار دارند. با به میدان آمدن آقای هاشمی این مهم حاصل شده است و به نظر می‌رسد سایر نامزدهای اصلاح‌طلب به نفع ایشان از صحنه رقابت کناره‌گیری کنند. اگر قرار باشد اصلاح‌طلبان منافع ملی را از طریق گفتمان خاص خود دنبال کنند و تغییر در اداره امور کشور به وجود بیاورند، رسیدن به چنین چیزی جز اجماع بر یک نامزد حداکثری ممکن نیست.

آنچه مسلم است اینکه در حال حاضر دولت در وضعیت خوبی قرار ندارد و این موضوع به تمام معنا و در تمام ابعاد دیده می‌شود. حقیقت این‌است که مهم‌ترین سرمایه‌های اقتصادی یعنی چیزی حدود ۸۰۰میلیارد دلار فروش نفت و مجموعه انباشتی که در بانک‌ها بوده را دولت مصرف کرده و ماحصل آن اقتصاد با رشد صفردرصد و اشتغال پایین بوده است که خود اصولگرایان هم در این ماجرا شریکند. چراکه سیاست‌های دولت نهم و دهم را به صورت کامل حمایت کردند، آن هم دولتی که هم در نقض قانون رکورد شکست و هم از لحاظ تصمیمات اقتصادی بدترین تصمیمات را گرفت. خوب به یاد داریم که اقتصاددانان وخبگان طی نامه‌های سرگشاده و گزارش به رسانه‌ها به این سیاست‌ها اعتراض کردند وخبگان تلاش کردند تا شرایط را تغییر دهند اما آنچه پیش آمد برای هیچکس رضایت‌بخش نبود.

اما متأسفانه رییس دولت با حمایت اصولگرایان به کار خود ادامه داد و کار را به جایی رساند که اکنون شاهد آن هستیم. در چنین شرایطی نامزد دولت نمی‌تواند خود را از انتقاداتی که به روش مدیریت هشت‌ساله گذشته وارد است مبرا بداند. کما اینکه مشایب خود تصریح کرده که در دولت احمدی‌نژاد نه به اندازه تمام دوران انقلاب که به اندازه تاریخ جز شده است و باید ببینیم چه کاری انجام شده است؟

به نظر من معرفی کاندیدا توسط دولت دو تکیه‌گاه می تواند داشته

باشد. یکی سرمایه‌هایی که شاید ذخیره شده است و دیگر پول‌هایی که به طبقات ضعیف پرداخت شده و باید بذیرفت دولت ارکان مدیریت را در اختیار دارد و عوامل خود را به کمک خواهد گرفت. البته من بعید می‌دانم شورای نگهبان صلاحیت نامزد مورد حمایت دولت را تایید کند. در صورت تاییدشدن مشایب و حضور هاشمی باید صبر کنیم تا شاهد

آرایش جدید اصولگرایان در هفته آینده و اتخاذ تصمیماتی که بتواند در مقابل اجماع اصلاح‌طلبان عرض‌اندام کنند باشیم.

*** رییس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم**

دریچه

نگاه

اصولگرایی در تمام فصول

چه چیز عماد افروغ را در اصولگرایی متفاوت می‌کند؟ راهی که او می‌رود به کدام سو است و چرا از بازی‌های معمول سیاست کناره می‌گیرد؟ او به عنوان کسی که یکی از دیالکتیک‌های محوری سال‌های گذشته اصولگرایان را مطرح کرده چرا خود را از جمع دولتمردان به کناری کشیده و دیگر حاضر نیست سر آن سفره بنشیند؟ تمام اینها را باید در اصولگرایی به تمام معنا بون و جستجو کرد: مردی که در تمام فصول تقویم سیاسی‌اش آرمان‌های خود را سرلوحه قرار داده و با نوعی نگاه ایده‌آلیستی به نقد کسانی نشسته که با فراموش کردن آرمان‌های اصولگرایی، سر به بیراهه سپرده‌اند. نگاهی به کارنامه سیاسی افروغ او را نه مهربای سیاسی که یک تحلیلیگر می‌نمایاند. چه اینکه پیش از حضور رسمی‌اش در قامت یکی از مردان سیاست و رییس کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم هم با توجه به تحصیلاتش در رشته جامعه‌شناسی به عنوان یک تحلیلیگر شناخته می‌شود. گرچه سه سال ابتدایی حضور او در مجلس هفتم و از به‌عنوان یکی از نمایندگان که نوک پیکان انتقاد را به سوی دولت اصلاحات گرفته مطرح می‌کند اما این رویکرد نقادانه با توجه با دولت اصولگرای احمدی‌نژاد هم ادامه یافت و نقش پر رنگ او در رای عدم صلاحیت به سه سته نفر از وزرای پیشنهادی دولت و ایستادگی او به‌عنوان نماینده مخالف در مسیر راهپایی صالِق محصلی به کرسی وزارت نفت، او را به عنوان نخستین مخالف دولت در میان اصولگرایان معرفی می‌کرد.

آن‌هم در دوره‌ای که به نظر می‌رسید با یکدست شدن دولت و مجلس و در غیاب مهره‌های مؤثر اصلاح‌طلب در میان ساکنان بهارستان، دیگر صدای منتقدان به گوش نرساند. سرمد وورد سوال قرار گرفت: مردمی‌شدن که جعفر آن برنامه‌اصالت دارد. راه خود را از سیاست جدا کرد و با وجود اصرار اطرافیان و احتمال رای آوری بالا در حوزه تهران به دلیل رویکرد منتقدانه – اصولگرایانه و مواضع محکمش در مجلس، از ثبت‌نام در انتخابات مجلس هشتم ممانعت کرد، بار دیگر راه تدریس را پیش گرفت و تلاش کرد با فعالیت در عرصه فرهنگی دینی آرمان‌های خود را بیرون از بدنه اصلی جریان سیاسی دنبال کند. برای شناخت بهتر نقطه‌نظرات افروغ لازم است نظریه نقد درون گفتگمائی او را بررسی کرد: نظریه‌ای که به نقد جمهوری اسلامی بر مبنای اصول انقلاب اسلامی می‌نشیند و در زمانی که به نظر می‌رسد در دوران حذف یا کناره‌گیری برخی جریان‌های سیاسی، آسیب‌های فقدان نقد، روند موجود کشور را تهدید می‌کند، با طرح این نظریه به راه جدیدی برای گفتمان نقادانه درون‌ساختاری می‌گذاید. بازگشت او به اصول انقلاب یکی از دلایل اصلی است که او را از حضور در عرصه سیاسی بازداشته چراکه برخلاف آرمان‌های انقلاب و امام(ره) مسیر پیش گرفته‌شده توسط فعالان سیاسی را همان بازی دولت، قدرت، ثروت می‌داند و می‌داند. به عقیده او نخله‌های سیاسی حاضر در ساختار حکومتی همه ذیل اصول انقلاب به فعالیت می‌پردازند و هر یک به گونه‌ای درصدد اصلاح وضع موجود هستند و در روش‌هایشان برای این اصلاح تفاوت‌هایی نمود می‌یابد. باید دید راهی که او با رمانداری جنبش اخلاقی در پیش گرفته

آیا همان‌طور که گمان می‌کرده مؤثرتر از حضورش به عنوان نماینده مجلس خواهد بود یا در ادامه به اصلاح رویه خود نیاز خواهد داشت.

عماد افروغ در گفت‌وگو با «شرق» باید جلو عوام‌فریبی را گرفت

امیر قباد فرهی



عکس: امیر جدیدی شرق

همین روستایی اگر متوجه شود که می‌توان به جای این پرداخت نقدی در روستا صنایع تبدیلی ایجاد کرد و از این طریق حتی می‌شود جمعیت جوان روستا را با ایجاد اشتغال حفظ کرد، در نتیجه بیشتر استقبال خواهد کرد. یعنی حتی می‌شود آنجاهایی که عده‌ای عوام‌فریبی می‌کنند جلویشان ایستاد و با نقد به موقع راهشان را بست و به جایی رساند که بگویند این طرح اصلا طرح ما نیست و شعار است. اگر قرار است یارانه‌ای به جایی دهند و بعد قیمت کالاها را برای آن فشر هم بالا ببرند که نمی‌شود. ضمن اینکه بازتاب تورم نه فقط برای یک روستایی بلکه برای کل جامعه ایجاد شده است. امروز قطع‌نظر از اینکه اقتصاد را یک وسیله می‌دانیم متأسفانه اقتصاد برای ما یک هدف شده است، در حالی که قانون اساسی می‌گوید اقتصاد یک وسیله است. یعنی اینکه مردم باید یک حداقلی از اقتصاد را داشته باشند تا بتوانند به آن شکوفایی سیاسی و اخلاقی و فرهنگی برسند. اما متأسفانه آنقدر مسایل اقتصادی مشکل ایجاد کرده که امکان آن نیست و امروز به‌دلیل بی‌اخلاقی‌ها شاهد این اتفاق هستیم.

۴ با توجه به مشکلات اقتصادی پیش آمده و تغییراتی که در وضعیت اقتصادی دهک‌های مختلف جمعیت شاهد هستیم به‌نظر می‌رسد از نظر قدرت اقتصادی طبقه میانی جامعه را به دهک‌های پایین‌تر نزدیک کرده. آیا این عامل می‌تواند باعث آن شود که مطالبات دموکراتیک در جامعه رو به کاهش بگذار؟

نه! باور کنید اصلا نمی‌توانم بگویم این مسایل با هم قابل جمع است. حتی اگر قرار است مشکلات اقتصادی ما به سبک سرمایه‌داری و سوسیالیستی حل شود، پای مشارکت وسط می‌آید و مگر مشارکت صرفا اقتصادی است؟ حتی در مشارکت اقتصادی، مشارکت فرهنگی و سیاسی حایز اهمیت است. اگر شما می‌خواهید مسایل اقتصاد را حل کنید با توجه به جمعیت جوان جامعه، بدون مشارکت امکانپذیر نیست. مشارکت به معنای مشارکت همه جانبه است. در واقع مشارکت سیاسی باید بستر ظهور و بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها شود و خود این خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها بار فرهنگی دارد. یعنی بستری برای بروز خلاقیت‌های فرهنگی و سیاسی را به وجود می‌آورد. اگر خلاقیت نباشد چگونه مشکلات سیاسی و فرهنگی حل می‌شود؟ باید نگاه هماهنگ به توسعه داشته باشیم. اگر می‌خواهیم توسعه را دنبال کنیم، اگر حتی به لحاظ فرهنگی نباشد، به لحاظ توسعه تمدنی و تاریخی، اولویت با توسعه سیاسی است.

چون توسعه سیاسی بستر را برای توسعه فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌کند و در نهایت، توسعه اقتصادی صورت می‌گیرد. البته باید به این معنا توجه داشته باشیم که مشارکت را به آزادی و حقوق شهروندی تقلیل ندهیم. بنابراین باید در ارزیابی برنامه نامزدها به اقتصادی نمره دهیم که در خود مشارکت فرهنگی و سیاسی هم داشته باشد. مثلاً ما سال‌هایی است که نگاه جامع نداشته‌یم بنابراین وقتی کسی فقط به سبد اشتغال ببیندش و از مسایل سیاست و فرهنگ غافل باشد، نمی‌تواند در اقتصاد هم موفق باشد. اینها به هم وصل هستند بنابراین چنین آدمی که سعی در جمع‌آوری آرا با مسایل اقتصادی دارد یا عوام‌فریب و کلاهبردار است یا نادان.

امام (ره) یک جمله قشنگ گفتند که اسلام قائم به شخص نیست. یعنی فکر نکنیم که اگر ما کنار کشیدیم دنیا کن فیکون می‌شود. بعضی وقت‌ها لازم است کنار کشیم تا مملکت اصلاح شود. بهتر است به‌دلیل مصالح کشور گذشت کنیم و برویم به سمتی که مشارکت آگاهانه مردمی را داشته باشیم و اجازه ندهیم کسی بیاید و رای را به مردم تحمیل کند و بگوید که به ما تکلیف شده به شملت و بهمانی رای دهیم

همه مشکلات ما مشکلات اقتصادی نیست؛ باید عقبه را هم بررسی کرد. بسیاری از مشکلات ما پیامد غیر اقتصادی دارند. جای تاسف است که برخی مسایل را فقط یک بعدی می‌بینند، مایه تاسف است که ما را به کجا براند. یک زمان گفته می‌شد که نوسازی فقط به مسایل اقتصادی توجه دارد و باید توسعه همه‌جانبه را مدنظر داشت. پس از انقلاب ما دیدیم که نوسازی کنار گذاشته شد و بنا شد به توسعه تمام عیار فرهنگی ببیندیشند ولی کار به اینجا رسیده. نظر من این است که غیر از نهادهای رسمی مسؤولیت اصلی کردن قدرت‌های غیر رسمی است که وظیفه نقد و نظارت را برعهده داشته‌اند. اگر اینها وارد عمل شده بودند کار به امروز نمی‌کشید و الان معتقدم هر آن روشنفکران و منتقدان وارد عمل بشوند نتیجه خواهد داد. بهتر است قهر نکنند موضعگیری جناحی نداشته باشند و بپذیرند که گوشه کار را بگیرند تا صالح‌ترین و فراچنانی‌ترین افراد سر کار بیایند. از آن تفکر قط‌رای راست و چپ آزار آفر دهم‌ایم چون هر کدام آمدند فقط آزار رسانده‌اند چراکه برنامه‌های جامع نداشتند. باید این روند اصلاح شود.

۴ در برخی شعارها شاهدیم که گروهی که قبلا برنامه‌هایشان بر همین پاشنه اقتصاد تزریقی می‌چرخیده حالا روی مسایلی با ظاهر ملی‌گرایانه کار می‌کنند و سعی می‌کنند با شعارهای نظیر مکتب ایرانی و امثال اینها اقبال عمومی را به سمت خود باز گردانند. این نوع شعارها را چطور می‌بینید؟

اینها عوام‌فریبی است. دل آدم به درد می‌آید از این حرف‌ها. این روزها کسانی مسایل فخر را بیابن می‌کنند که صلاحیت ندارند. یعنی نه مطالعاتی دارند و نه اشرافی. کسانی که روی هویت ایرانی مطالعه کرده‌اند و در زمینه ایران‌شناسی قدمت داشته و انسان‌های شهری هم هستند، می‌گویند عنصر مقوم هویت ایرانی، دینداری است. از قبل از اسلام هم همین‌طور بوده. ایرانیان همواره جهان‌بینی سمایی داشته‌اند. آقای ریچارد فراک که مورد تایید خیلی‌ها هم هست می‌گوید تمام رویدادهایی که در ایران اتفاق می‌افتد در اثر این است که همه مذهبی و انقلابی هستند. به دلیل ریشه‌های کهن ایرانیان است که ایرانیان استعداد زیادی در پذیرش اسلام داشتند به‌دلیل اینکه یکتاپرست بودند. اعتقاد دارم اگر می‌خواهد اصلاحی صورت گیرد با این تفکرات

همین روستایی اگر متوجه شود که می‌توان به جای این پرداخت نقدی در روستا صنایع تبدیلی ایجاد کرد و از این طریق حتی می‌شود جمعیت جوان روستا را با ایجاد اشتغال حفظ کرد، در نتیجه بیشتر استقبال خواهد کرد. یعنی حتی می‌شود آنجاهایی که عده‌ای عوام‌فریبی می‌کنند جلویشان ایستاد و با نقد به موقع راهشان را بست و به جایی رساند که بگویند این طرح اصلا طرح ما نیست و شعار است. اگر قرار است یارانه‌ای به جایی دهند و بعد قیمت کالاها را برای آن فشر هم بالا ببرند که نمی‌شود. ضمن اینکه بازتاب تورم نه فقط برای یک روستایی بلکه برای کل جامعه ایجاد شده است. امروز قطع‌نظر از اینکه اقتصاد را یک وسیله می‌دانیم متأسفانه اقتصاد برای ما یک هدف شده است، در حالی که قانون اساسی می‌گوید اقتصاد یک وسیله است. یعنی اینکه مردم باید یک حداقلی از اقتصاد را داشته باشند تا بتوانند به آن شکوفایی سیاسی و اخلاقی و فرهنگی برسند. اما متأسفانه آنقدر مسایل اقتصادی مشکل ایجاد کرده که امکان آن نیست و امروز به‌دلیل بی‌اخلاقی‌ها شاهد این اتفاق هستیم.

۴ با توجه به مشکلات اقتصادی پیش آمده و تغییراتی که در وضعیت اقتصادی دهک‌های مختلف جمعیت شاهد هستیم به‌نظر می‌رسد از نظر قدرت اقتصادی طبقه میانی جامعه را به دهک‌های پایین‌تر نزدیک کرده. آیا این عامل می‌تواند باعث آن شود که مطالبات دموکراتیک در جامعه رو به کاهش بگذار؟

نه! باور کنید اصلا نمی‌توانم بگویم این مسایل با هم قابل جمع است. حتی اگر قرار است مشکلات اقتصادی ما به سبک سرمایه‌داری و سوسیالیستی حل شود، پای مشارکت وسط می‌آید و مگر مشارکت صرفا اقتصادی است؟ حتی در مشارکت اقتصادی، مشارکت فرهنگی و سیاسی حایز اهمیت است. اگر شما می‌خواهید مسایل اقتصاد را حل کنید با توجه به جمعیت جوان جامعه، بدون مشارکت امکانپذیر نیست. مشارکت به معنای مشارکت همه جانبه است. در واقع مشارکت سیاسی باید بستر ظهور و بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها شود و خود این خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها بار فرهنگی دارد. یعنی بستری برای بروز خلاقیت‌های فرهنگی و سیاسی را به وجود می‌آورد. اگر خلاقیت نباشد چگونه مشکلات سیاسی و فرهنگی حل می‌شود؟ باید نگاه هماهنگ به توسعه داشته باشیم. اگر می‌خواهیم توسعه را دنبال کنیم، اگر حتی به لحاظ فرهنگی نباشد، به لحاظ توسعه تمدنی و تاریخی، اولویت با توسعه سیاسی است.

چون توسعه سیاسی بستر را برای توسعه فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌کند و در نهایت، توسعه اقتصادی صورت می‌گیرد. البته باید به این معنا توجه داشته باشیم که مشارکت را به آزادی و حقوق شهروندی تقلیل ندهیم. بنابراین باید در ارزیابی برنامه نامزدها به اقتصادی نمره دهیم که در خود مشارکت فرهنگی و سیاسی هم داشته باشد. مثلاً ما سال‌هایی است که نگاه جامع نداشته‌یم بنابراین وقتی کسی فقط به سبد اشتغال ببیندش و از مسایل سیاست و فرهنگ غافل باشد، نمی‌تواند در اقتصاد هم موفق باشد. اینها به هم وصل هستند بنابر این چنین آدمی که سعی در جمع‌آوری آرا با مسایل اقتصادی دارد یا عوام‌فریب و کلاهبردار است یا نادان.

امام (ره) یک جمله قشنگ گفتند که اسلام قائم به شخص نیست. یعنی فکر نکنیم که اگر ما کنار کشیدیم دنیا کن فیکون می‌شود. بعضی وقت‌ها لازم است کنار کشیم تا مملکت اصلاح شود. بهتر است به‌دلیل مصالح کشور گذشت کنیم و برویم به سمتی که مشارکت آگاهانه مردمی را داشته باشیم و اجازه ندهیم کسی بیاید و رای را به مردم تحمیل کند و بگوید که به ما تکلیف شده به شملت و بهمانی رای دهیم

همه مشکلات ما مشکلات اقتصادی نیست؛ باید عقبه را هم بررسی کرد. بسیاری از مشکلات ما پیامد غیر اقتصادی دارند. جای تاسف است که برخی مسایل را فقط یک بعدی می‌بینند، مایه تاسف است که ما را به کجا براند. یک زمان گفته می‌شد که نوسازی فقط به مسایل اقتصادی توجه دارد و باید توسعه همه‌جانبه را مدنظر داشت. پس از انقلاب ما دیدیم که نوسازی کنار گذاشته شد و بنا شد به توسعه تمام عیار فرهنگی ببیندیشند ولی کار به اینجا رسیده. نظر من این است که غیر از نهادهای رسمی مسؤولیت اصلی کردن قدرت‌های غیر رسمی است که وظیفه نقد و نظارت را برعهده داشته‌اند. اگر اینها وارد عمل شده بودند کار به امروز نمی‌کشید و الان معتقدم هر آن روشنفکران و منتقدان وارد عمل بشوند نتیجه خواهد داد. بهتر است قهر نکنند موضعگیری جناحی نداشته باشند و بپذیرند که گوشه کار را بگیرند تا صالح‌ترین و فراچنانی‌ترین افراد سر کار بیایند. از آن تفکر قط‌رای راست و چپ آزار آفر دهم‌ایم چون هر کدام آمدند فقط آزار رسانده‌اند چراکه برنامه‌های جامع نداشتند. باید این روند اصلاح شود.

۴ در برخی شعارها شاهدیم که گروهی که قبلا برنامه‌هایشان بر همین پاشنه اقتصاد تزریقی می‌چرخیده حالا روی مسایلی با ظاهر ملی‌گرایانه کار می‌کنند و سعی می‌کنند با شعارهای نظیر مکتب ایرانی و امثال اینها اقبال عمومی را به سمت خود باز گردانند. این نوع شعارها را چطور می‌بینید؟

اینها عوام‌فریبی است. دل آدم به درد می‌آید از این حرف‌ها. این روزها کسانی

انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ به‌عنوان مهم‌ترین کارزار سیاسی کشور پیش‌روست و گروه‌های مختلف سیاسی در حال شکل‌دهی آرایش نهایی حضور خود در این عرصه هستند. یکی از مهم‌ترین نمادهای این نمایش سیاسی، شعارها و برنامه‌هایی است که نامزدهای انتخاباتی به‌عنوان وجه تمایز فعالیت‌های‌شان در مقام رییس جمهور مطرح می‌کنند. وعده‌هایی که بیان‌کننده سید رای هدف هریک نیز خواهد بود. در مصاحبه پیش‌رو عماد افروغ نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی که از رندی‌های سیاست‌ورزانه اهل سیاست گلابه دارد و آن را علت خروج خود از بدنه رسمی سیاست می‌داند، درباره وظیفه و روشنفکران در به چالش کشیدن برنامه‌ها و شعارهای انتخاباتی صحبت کرده. گلابه‌هایش از عوام‌فریبی‌های سال‌های اخیر و کارهای اقتصادی اشتباه را به میان کشیده و کسانی که با طرح شعارهایی چون مکتب ایرانی قصد عوام‌فریبی دارند را فاقد صلاحیت لازم برای چنین زست‌هایی می‌داند.

۴ با توجه به آرایش سیاسی پیش از انتخاباتی گروه‌های مختلف، فکر می‌کنید هر گروه، سید رای خود را در کدام بخش جامعه جست‌وجو می‌کند و بر نامه‌هایش را بیشتر به کدام سمت سوق خواهد داد؟

خیلی زود است که ما قضاوت کنیم کدام کاندیدا روی کدام قشر سرمایه‌گذاری خواهد کرد چراکه هنوز آرایش نهایی کاندیدها مشخص نشده. بی‌شک خیلی ادغام‌ها و کناره‌گیری‌ها صورت خواهد گرفت و برخی از نامزدها از عرصه رقابت کنار خواهند رفت. چه از طریق رد صلاحیت توسط مراجع رسمی یا رد صلاحیت از نظر عام که فرآیند طبیعی در معرض ارزیابی قرار گرفتن شعارها و برنامه‌ها می‌تواند خیلی‌ها را به این نتیجه برساند که بهتر است انصراف دهند. شاید بهتر باشد در این شرایط به این بپردازیم که در حال حاضر مشکلات اصلی جامعه چه هستند و این مشکلات متوجه چه اقشاری می‌شوند و با حدس‌زدن حجم جمعیتی این اقشار، پیش‌بینی کنیم که نامزدهای ریاست‌جمهوری در طراحی شعارهای خود به سراغ چه گروه‌هایی می‌روند و برای جلب آرای آنها سرمایه‌گذاری خواهد کرد.

۴ و بزرگترین مشکل را کدام می‌دانید؟

در حال حاضر مهم‌ترین چالش عمومی جامعه بحث اشتغال است که چندان قابل قشربندی هم نیست و قشرهای مختلف جامعه در لایه‌های مختلف با آن دست‌و‌پنجه نرم می‌کنند و به‌نظر می‌رسد باید سرلوحه برنامه‌های نامزدهای ریاست‌جمهوری قرار گیرد و اگر کسی این مشکل را نادیده بگیرد یعنی فهم خوبی از جامعه و مشکلات آن ندارد. این سبدی خواهد بود که بسیار فراگیر است و همه روی آن دست خواهند گذاشت. اینجاست که نقش خبگان پررنگ می‌شود و باید برنامه‌ها را بررسی کنند و در همین‌جا بر همه مصالح ملی فارغ از گرایش سیاسی و هر رنگ و لعابی و منفعتی قدرت جامعیت، عملیاتی و امکانتپذیر بودن هر برنامه‌ای را به نقد بکشند و مردم را آگاه کنند. واقعیتی که همیشه شاهد بودیم و به فرهنگ سیاسی تبدیل شده، این است که مردم ما وقتی از چیزی منزجر می‌شوند عقالتی منزجر می‌شوند چون مشکلات خود را لرسم می‌کنند اما وقتی به چیزی گرایش پیدا می‌کنند خیلی رویه عاطفی آن بر مکتب است.

۴ علت و چاره را در چه می‌بینید؟ این فرهنگ سیاسی را چه کسی می‌تواند اصلاح کند و گام‌هایی در عقلانی کردن مردم بردارد؟

من فکر می‌کنم خبگان ما خوب ادای وظیفه نمی‌کنند. نمی‌آیند آگاهی‌بخشی کنند که فلان طرح اقتصادی که مطرح شده اشتغال را نیست، تورم‌زاست و به گرانی می‌انجامد و نمی‌تواند در زیرساخت جامعه ما موثر باشد. حالا هم باید صبر کنیم برنامه‌ها اعلام شود و بعد از آن وظیفه من و شملت که به نقد آنها بنشینیم، با توجه به فضای بازی که این چند وقت به وجود آمده و امیدوارم بازماند و البته بازماندنش هم به بالایی‌ها ربط دارد هم پایینی‌ها. آنها باید سعه‌صدر داشته باشند و اینها خط قرمزها را بشتانند و رعایت کنند و باید از فرصت پیش آمده استفاده کرد.

در چاره هم دو کار باید انجام شود. یکی اینکه مطالبه برنامه‌ای مردم را بالا ببریم. چون واقعا فرصت خوبی است برای عقلانی کردن مردم و دیگر اینکه برنامه‌ها را از ارزیابی کنیم و ببینیم امکان عملیاتی دارند یا نه.

مثلا همین مساله اشتغال را نباید صرفا اقتصادی دید. بلکه مساله‌ای اجتماعی و فرهنگی است. جوان با اشتغال می‌خواهد رشد کیفی و کمی کند و خودش را نشان دهد نه اینکه فقط بخواهد جیبش پر شود. می‌خواهد خلاقیت‌های خودش را نشان دهد و هویت‌جویی کند. اینکه فکر کنیم حالا ما یارانه بزرگیم در جیبشان و مساله حل شده، تصویری زشت و زننده از انسان است. چه! هر کسی دلش می‌خواهد از نان بازوی خودش ارتزاق کند. الان باید ببینیم چه کسی بهتر می‌تواند ماهیگیری یاد دهد نه اینکه ماهی را سر سفره بیاورد.

۴ در این دوره شمار نامزدهایی که سوابق دیپلماتیک دارند رو به فزونی گذاشته و به‌نظر می‌رسد با این نگاه که با حل مشکلات خارجی می‌توان گره از مشکلات داخلی باز کرد یا به عرصه گذاشته‌اند. این موضوع را به‌عنوان پاشنه آشیل برنامه‌های انتخاباتی این افراد نمی‌بینید؟

این وظیفه و روشنفکران و متخصصان است که بررسی کنند آیا واقعا همه مسایل ما ریشه در بحران بین‌المللی و مشکلات خارجی دارد؟ این باید بحث شود که آیا واقعا اینقدر مهم است. من چنین اعتقادی ندارم.

۴ خیلی‌ها هم بحث یارانه‌ها را جلو می‌کشند. آنها چطور؟

متأسفانه این سال‌ها شاهد انواع عوام‌فریبی بوده‌ایم و حالا رسم شده که گروه‌های مختلف می‌آیند و شعار را مطرح می‌کنند و با کلی گویی فقط بحثی را پیش می‌برند. مثلا برای جذب آرا همین یارانه‌ها را بزرگ می‌کنند تا نظر روستاییان را به خود جلب کنند. چراکه روستایی به هر حال اشتیاقاتی دارد. البته ممکن است کسانی که شناختی از فرهنگ روستایی ندارند متوجه عرایض من نشوند. حالا